



یکی از دو عاشق

علی اکبر شعاری نژاد

جعفر ربانی

تولد و تحصیل

شعاری نژاد در سال ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمد. ششمین فرزند خانواده بود. پدر، مادر و خواهران او همه بی‌سواد بودند. برادر بزرگ هم چند کلاس بیشتر سواد نداشت. پدر البته مردی بادیانت بود و با قرآن انس داشت. به مجالس وعظ می‌رفت و علی اکبر را هم با خود می‌برد. حتی از مطالبی که در مجالس وعظ می‌آموخت به دیگران یاد می‌داد؛ بنابراین نمی‌توان او را به معنای مألوف، بی‌سواد دانست. بی‌تردید زندگی در همین فضای معنوی سبب شد علی اکبر نیز از کودکی به دانش‌آموزی و یاد گرفتن مایل شود.

علی اکبر ابتدا به مکتب رفت و قرآن آموخت، سپس به مدرسه رفت و دوره شش ساله ابتدایی را با رتبه اول به پایان رساند که به پاس آن یک جلد «چهار مقاله نظامی عروضی» به او جایزه دادند. اشغال آذربایجان در خلال جنگ جهانی دوم و پس از آن، در تحصیل علی اکبر وقفه ایجاد کرد و او مجبور شد در کارگاه بافندگی پدرش و زیر نظر برادر بزرگ که به کلی با مدرسه رفتن علی اکبر مخالف بود به کار پردازد. اما علی اکبر طی این مدت هم کتاب می‌خواند و هم به حوزه

شادروان علی اکبر شعاری نژاد معلمی بود بالفطره. گویی از کودکی همین راه را به او نشان داده بودند و دیگر هیچ. این نکته‌ای است که از مطالعه در زندگی، آثار، گفته‌ها، نوشته‌ها و عملکرد طولانی‌اش می‌توان دریافت. شعاری نژاد در محیطی متولد شده بود که کسی او را به مطالعه و تحصیل تشویق نمی‌کرد، سهل است، که حتی او را از این راه باز می‌داشتند.

این معلم و معلم‌پرور برجسته را باید یکی از ده‌ها معلم بزرگی به شمار آورد که در عصر حاضر، یعنی در قرن ما، از گوشه و کنار آذربایجان برخاستند، ولی خود را به آن سرزمین محدود نکردند، بلکه هریک به نحوی بر سراسر ایران تأثیر گذاشتند؛ کسانی چون میرزا احسن رشدیه، جبار باغچه‌بان، ابوالقاسم فیوضات، اسماعیل امیرخیزی، علی دهقان، حسن انوری، حسن احمدی گیوی، سلیم نیساری، هاشم توفیق سبحانی، رضا انزابی نژاد، بهروز ثروتیان، کاظم فائقی و دیگران. و اما شعاری نژاد:

شعاری نژاد
ضمن تدریس
در دانش‌سرای
مقدماتی، دو
کار مهم نیز
انجام داد؛ یکی
تشکیل «انجمن
دبیران فلسفه و
علوم تربیتی»
و دیگری
انتشار مجله
«معلم امروز»





شعاری نژاد پیوسته در جست و جو و نوآوری بود. کتاب‌های تألیفی خود را خود را پیوسته با ویرایش جدید به خوانندگان عرضه می کرد



نوآور و نوگرا

شعاری نژاد پیوسته در جست و جو و نوآوری بود. کتاب‌های تألیفی خود را پیوسته با ویرایش جدید به خوانندگان عرضه می کرد. تعریف می کرد که روزی در دانشکده علوم تربیتی تبریز، یکی از استادان، به او گفته بود: استاد! ما کتاب روان شناسی یادگیری شما را در این دانشکده تدریس می کنیم و منظور چاپ ۱۳۶۲ آن کتاب بود. وی می گفت، از آن استاد تشکر کردم، ولی ضمناً گفتم: «اکنون من چیزهایی یاد گرفته‌ام که در آن کتاب نیست. لذا خودم دیگر آن را قبول ندارم.»

انتقال به تهران

شعاری نژاد در اواسط دهه ۳۰ به تهران فراخوانده شد تا در اداره کل مطالعات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش به خدمت ادامه دهد. پس به تهران آمد و به عنوان کارشناس تربیت معلم به کار مشغول شد. در آن سال‌ها وی با دکتر محمدجواد باهنر همکاری کرد. انتقال به تهران فرصتی شد تا شعاری نژاد به دانشگاه برود و از آنجا لیسانس روان شناسی بگیرد (۱۳۳۷). این امر موجب ارتقای بیشتر او شد و سبب گردید برای تدریس در دانشگاه سپاهیان دانش، دانش سرای عالی و نیز دانشگاه مکاتبه‌ای (راه دور) دعوت شود. او در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در سال ۱۳۵۶ به ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه منصوب شد.

باری، در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، شعاری نژاد در خارج از کشور به سر می برد. با این حال، وقتی به ایران بازگشت، در دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس مشغول شد و سال‌ها در آن تدریس کرد. از آن پس، تا چند سال قبل از فوت خود در اسفندماه ۹۲، پیوسته فعال بود، تدریس می کرد، سخنرانی می کرد، می خواند، می نوشت و هر جا که می توانست نقد و نظرهای خود را نسبت به مسائل آموزش و پرورش ابراز می کرد. روانش شاد باد. با چند سخن از او این نوشته را به پایان می بریم:

- اگر در کل ایران دو نفر عاشق معلمی باشند، من اگر نفر اول نباشم، یقیناً نفر دوم خواهیم بود.
- کمکی که تربیت به ما می کند، این است که با مسائل چگونه روبه‌رو شویم، چگونه تحلیلشان کنیم و برای آن‌ها چه‌سان راه‌حل پیدا کنیم.
- من تنها نگران این طرف زندگی نیستیم، نگران آن طرف هم هستیم. بنابراین نمی‌خواهم چیزی ببافم و دروغ‌هایی بگویم ولو اینکه هیچ‌کس متوجه نشود. خودم که می‌دانم چه چیز راست است و چه چیز دروغ!

علمیه می‌رفت و درس‌های مقدماتی عربی را می‌خواند. بالاخره در کمتر از یک سال کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم (سیکل اول دبیرستان) را نیز به‌طور خودآموز گذراند و مدرک سیکل گرفت. همین مدرک وسیله‌ای شد تا دو سال بعد او را به معلمی «مدرسه شمس» در تبریز دعوت کردند و علی‌اکبر شعاری نژاد آموزگار کلاس پنجم شد. با این موفقیت، در دانش سرای مقدماتی تبریز هم پذیرفته شد. دو سال تحصیل کرد و به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمد و این بار در دبستان دیگری به نام «دبستان حکمت» آموزگاری کلاس پنجم را ادامه داد.

در آن سال‌ها، علی دهقان، مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان بود؛ مدیرکلی شایسته که به حق یکی از معلمان بزرگ ایران به شمار می‌آید. وی در تبریز «کالج تربیت معلم» دایر کرده بود که با پذیرش دانشجویان دیپلم، مدرک فوق دیپلم به آن‌ها می‌داد. شعاری نژاد هم در این کالج پذیرفته و به اخذ «دیپلم خاص مدال فرهنگی» آن زمان از شورای عالی آموزش کشور مفتخر شد. از این مهم‌تر، اجازه یافت در دانش سرای مقدماتی تبریز تدریس کند. بدین ترتیب، دوره‌ای در زندگی‌اش آغاز شد که هم خود از آن تأثیر پذیرفت و هم بر دیگران تأثیر گذاشت.

دانش سرای مقدماتی

شعاری نژاد ضمن تدریس در دانش سرای مقدماتی، دو کار مهم نیز انجام داد؛ یکی تشکیل «انجمن دبیران فلسفه و علوم تربیتی» و دیگری انتشار مجله «معلم امروز». در مورد نشریه معلم امروز باید گفت، صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر آن خود شعاری نژاد بود. مطالب مفیدی را در آن به چاپ می‌رساند که بعضاً نوشته‌های دانشجویان یا دانش آموز - معلمان دانش سرا بود، از جمله آقایان علی‌اکبر ترابی، عزیز دولت‌آبادی و غلامحسین ساعدی. معلم امروز به مدت ده سال تا زمان انتقال شعاری نژاد به تهران، منتشر می‌شد. حدود چهار هزار نسخه تیراژ داشت و در سراسر آذربایجان، بین مدارس و معلمان توزیع می‌شد.

شعاری نژاد در دانش سرای مقدماتی آموزش درس‌های روان شناسی رشد، روان شناسی یادگیری، ادبیات کودکان و روش‌های تدریس را بر عهده داشت. وی که اهل قلم نیز بود، درس‌های خود را گردآوری می‌کرد و به صورت کتاب درمی‌آورد. یکی از کتاب‌های او «روان شناسی رشد» است.